

## سفال داغدار، سفال شاخص دوره اشکانی در سیستان ایران

رضا مهرآفرین

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران  
reza.mehrafarin@gmail.com

محمدصادق روستایی

کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

جواد علایی مقدم

عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵  
(از ص ۱۰۵ تا ۱۲۰)

### چکیده

سفال به‌عنوان مهم‌ترین و فراوان‌ترین داده فرهنگی در اکثر محوطه‌های باستانی از اهمیت بالایی در مطالعات باستان‌شناسی برخوردار است. به‌نحوی که بسیاری از دوره‌بندی‌های تاریخی صورت گرفته بر مبنای مطالعات نمونه‌های سفالی می‌باشد. از این‌رو شناخت سفال هر دوره و هر منطقه یکی از بنیادی‌ترین مراحل مطالعات باستان‌شناسی است. در باستان‌شناسی دوره اشکانی اهمیت مطالعه سفال با توجه به وجود سبک‌های محلی در هر منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد و گونه‌های سفالی متنوع در مناطق مختلف هر یک بیان‌گر سبک و پیشرفت خاصی هستند. یکی از نمونه‌های خاص سفال اشکانی در منطقه سیستان، سفال با تزیینات داغدار می‌باشد که دارای کیفیت و ظرافت منحصر به فردی است به‌نحوی که به‌ندرت در دیگر مناطق ایران مشاهده می‌شود. این نوع سفال که دارای کیفیت مطلوب چه در مرحله ساخت و چه در مرحله پخت است، یکی از سفال‌های شاخص این دوره سیستان می‌باشد که کم‌تر در مورد آن به‌صورت مجزا و مستقل پژوهش شده است. با توجه به اهمیت سفال داغدار سیستان در باستان‌شناسی منطقه و نقش آن در گاهنگاری دوره اشکانی، سعی گردیده است تا با مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای روند شکل‌گیری، تغییر و تحول و تأثیر و تأثر آن در مناطق همجوار مورد بررسی قرار گیرد. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که سفال با تزیین داغدار سیستان را می‌توان گونه سفال شاخص محلی این منطقه دانست که در اواخر دوره اشکانی مورد استفاده سفال‌گران سیستانی قرار گرفت. همچنین مقایسه‌های گونه‌شناختی انجام شده، مشخص کرد که این گونه سفالی در محوطه‌های غربی و مرکزی افغانستان که تحت نفوذ دولت کوشانیان بودند؛ بسیار کاربرد داشته است.

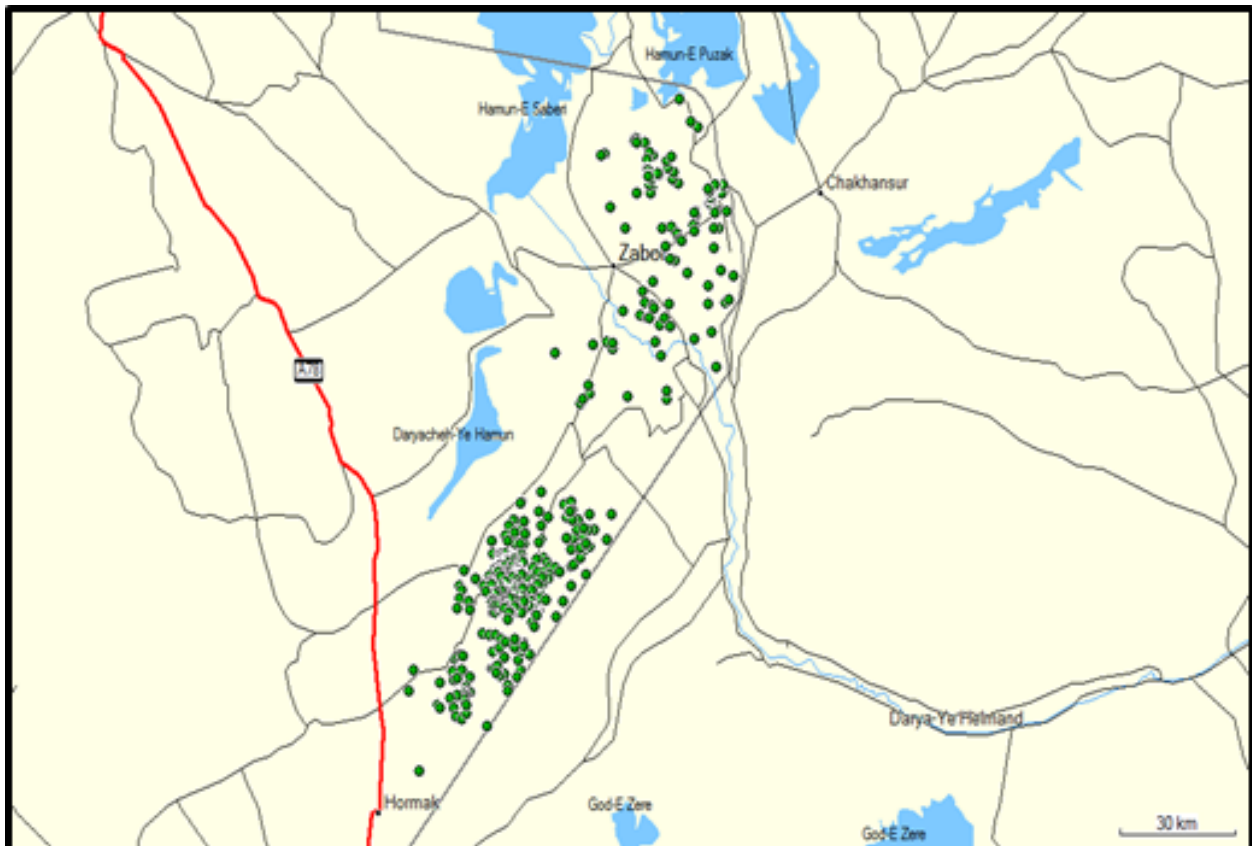
**کلیدواژه‌گان:** سیستان، دوره اشکانی، مطالعات باستان‌شناسی، سفال داغدار.

### مقدمه

جلگه سیستان با مرکزیت شهر زابل، سرزمینی پهناور در حاشیه‌ی شرقی ایران و در شمال استان سیستان و بلوچستان، با وسعتی در حدود ۸۱۱۷ کیلومتر مربع است (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۶۳). این سرزمین با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی خود و قرار گرفتن در سرحدات شرقی کشور، نقش بسیار مهمی را در طول تاریخ ایفاء نموده است؛ به نحوی که پیوسته در بیشتر ادوار تاریخی جزو مهم‌ترین ایالات ایران باستان به حساب می‌آمد. این مهم باعث توجه خاص باستان‌شناسان در دهه‌های گذشته شد و در جامع‌ترین طرح باستان‌شناسی، اقدام به بررسی سطح منطقه طی دو فاز در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ خورشیدی گردید. طی این بررسی‌ها که در ۲۲ حوزه مشخص شده انجام شد، ۱۶۷۲ محوطه باستانی از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد تا دوران قاجار شناسایی شد (مهرآفرین و موسوی‌حاجی، ۱۳۸۸) که هر یک دارای اهمیت مطالعاتی و تاریخی بالایی بودند.

یکی از دوره‌های درخشان تاریخ سیستان، دوره حکومت اشکانیان است که این ایالت شرقی ایران از جایگاه والایی برخوردار می‌گردد. طی بررسی‌های صورت گرفته حدود ۴۰۰ محوطه و بنا متعلق به دوره اشکانی در سیستان باقی‌مانده است که خود تاییدی بر اهمیت این منطقه در آن برهه از تاریخ می‌باشد (شکل ۱). در این بررسی جهت گاهنگاری هر محوطه، اقدام به جمع‌آوری نمونه‌های سفالی از سطح آن می‌گردید که در نهایت از دوره اشکانی منطقه در حدود ۱۰۰۰ نمونه سفال شاخص مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در مرحله بعد و در تکمیل مطالعه دوره

**شکل ۱:** پراکندگی محوطه‌های اشکانی سیستان (علایی‌مقدم، ۱۳۹۰).



اشکانی در منطقه، اقدام به مطالعه مستقلی در باب سفال اشکانی سیستان توسط نگارندگان شد. در این مطالعات مشخص گردید، که حدود ۹ درصد از سفال‌های این دوره را، سفال‌هایی با تزیینات داغدار تشکیل می‌دهد. این نوع سفال، سفال شاخص سیستان در دوره اشکانی است که بیشتر در محوطه‌های شاخص و بزرگ هم‌چون: کوه‌خواجه، قلعه‌سام، تپه کرکویه و ... که در حوزه‌های شمالی منطقه سیستان قرار دارند، قابل مشاهده است.

### پیشینه پژوهش

اطلاعاتی که تا چند سال گذشته در مورد سفال اشکانی سیستان در دسترس بود، محدود به گزارش گمانه‌زنی‌های هیأت‌های ایتالیایی در چند محوطه شاخص این منطقه هم‌چون: کوه‌خواجه، قلعه‌سام و قلعه تپه و رساله دکتری ارنی هرینگ تحت عنوان: "سفال ایران در دوران اشکانی" بود که در آن‌ها بسیار مختصر به معرفی جزئی سفال محوطه‌های نام برده پرداخته شد. بررسی باستان‌شناختی دشت سیستان (مهرآفرین و موسوی‌حاجی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸)، حفاری و گمانه‌زنی تپه گوری سیستان (مهرآفرین، ۱۳۸۶)، بررسی محوطه‌های کوه‌خواجه سیستان (بنی‌جمالی، ۱۳۸۷) و مطالعه سفال‌های حوزه زابل ۱ سیستان (موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹) گام بلندی در شناخت سفال اشکانی این منطقه محسوب می‌گردد. سفال داغدار، گونه شاخص سفال اشکانی منطقه سیستان است که در اکثر محوطه‌های شاخص مربوط به این دوره قابل رویت است. اما تاکنون پژوهش مستقلی در مورد آن انجام نشده است. در این پژوهش سعی شده است تا به‌طور کامل این‌گونه سفالی و انواع آن و هم‌چنین ویژگی‌های فنی و تکنیکی آن را معرفی کرده و تا حد امکان گسترش و نفوذ سفال داغدار را تا مناطق هم‌جوار مورد بررسی قرار دهد.

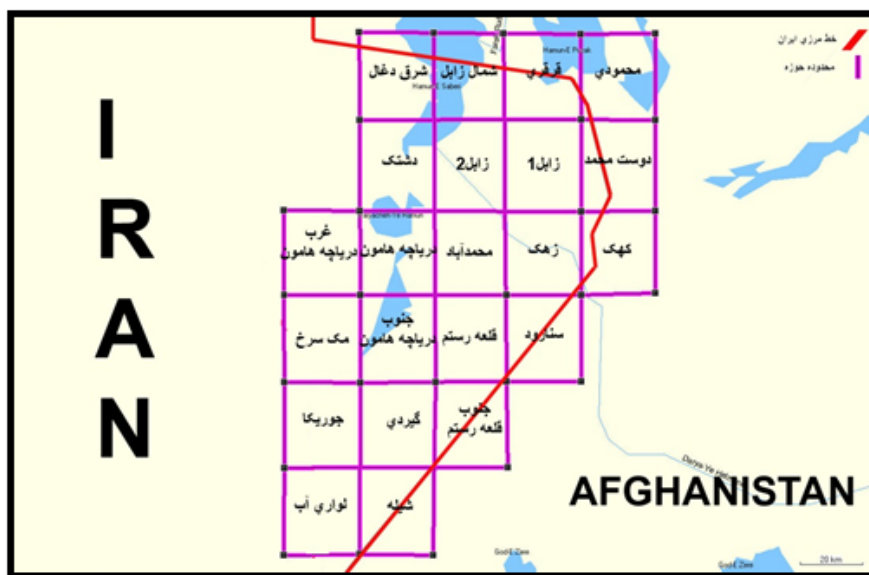
### سیستان در دوره اشکانی

سیستان در دوره اشکانی یکی از مهم‌ترین ایالات شرقی ایران به‌شمار می‌رفت که همواره پادشاهان این سلسله توجه خاصی به آن داشتند. چنان‌که در حفاری تپه گوری سیستان از پادشاهی مانند پارتاماسپاتسکه مدت زمان حکومت وی بسیار ناچیز بوده، یک عدد دراخما به‌دست آمده است (mehrafarin et al, 2011: 247). از قرن سوم پیش از میلاد کم‌کم اشکانیان در شرق ایران قوت گرفتند. در اوایل پادشاهی فرهاد دوم سکاها به‌دست اندازی مرزهای پارتیان شروع کردند. فرهاد دوم در ۱۲۸ ق.م و عمویش اردوان یکم در جنگ با سکاها کشته شدند (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۳۸۵). در نتیجه سکاها بر سر راه خود مانعی ندیدند از مرزهای شمالی ایران مهاجرت کردند و در ایالت زرنگ مسکن گزیدند. پس از ورود سکاها، اسم منطقه به‌نام آنان تغییر یافت. ایزیدور خاراکیسی نخستین فردی است که در اوایل قرن اول میلادی در کتاب: "ایستگاه‌های پارتی" از سرزمین سکستان مابین زرنگیانا و آراخوزیا یاد می‌کند (Vogelsang, 2002: 162). سکاها در سیستان سلطنتی تاسیس کردند و از زمان شاهنشاهی مهرداد دوم (۸۸-۱۲۳ ق.م) خراج‌گذار دولت اشکانی شدند. در زمان پادشاهی مهرداد دوم، سکاها در جنوب شرقی

پادشاهی پارت، یکی از قدرتمندترین حکومت‌های ملوک‌الطوایفی را به‌وجود آوردند. اینان که قومی آریایی‌نژاد، جنگجو سوارکار بودند، توانستند در مدت کوتاهی که احتمالاً تاریخ آن به حدود ۸۵ ق.م. باز می‌گردد، دست پادشاهان هند و یونانی را از منطقه باختر قطع کنند. متعاقب آن مائوس (موئیس) سکایی جانشین آنان گردید. پس از به قدرت رسیدن مائوس در منطقه سند، دیگر سکائیان از دره هیرمند به آن‌ها پیوستند و حکومتی قوی در یک قلمرو وسیع در بخش شرقی ایران به‌وجود آوردند. از روی کتیبه‌ای که در تاکسیلا پیدا شده، عهد موئیس ۷۲ قبل از میلاد خوانده شده است (پوری، ۱۳۷۵: ۲۴۸). سلسله سکایی سیستان چندان دوام نیاورد و به زودی جای خود را به یکی از خانواده‌های فئودال و قدرتمند اشکانی داد. ظاهراً اندکی بعد از نیمه‌های قرن اول قبل از میلاد، خانواده سورن پهلوی حکومت سیستان را به‌دست گرفت (موسوی‌حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۸: ۳۱). خاندان سورن بعد از خاندان شاهنشاه، نخستین خانواده بزرگ کشور شمرده می‌شد که رسم تاج‌گذاری شاهان شاه بایستی درباره پادشاه این سلسله به‌عمل آید و معروف‌ترین شخص این خانواده همان سورنا است که کراسوس سردار رومی را در کرهه (حران شام) شکست داد (هرتسفلد، ۱۳۵۴: ۱۱۵).

بررسی باستان‌شناختی دشت سیستان که طی دو فاز و در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ خورشیدی صورت گرفت (شکل ۲)، به شناسایی حدود ۴۰۰ محوطه دوره اشکانی در این منطقه منجر شد (مهرآفرین و موسوی‌حاجی، ۱۳۸۸). کثرت محوطه‌های اشکانی سیستان خود گویای اهمیت و جایگاه والای این سرزمین طی حکومت دراز مدت اشکانیان است. از شاخص‌ترین محوطه‌های اشکانی سیستان می‌توان به مجموعه بناهای: کوه‌خواجه، قلعه‌سام، قلعه تپه، مجموعه تپه‌های میلک و ... اشاره کرد.

گمانه‌زنی و حفاری در تپه گوری سیستان به سرپرستی رضا مهرآفرین که در سال ۱۳۸۶ خورشیدی انجام شد، به‌شناخت دوره اشکانی سیستان کمک شایانی کرد. با توجه به کشف یک سکه نقره اشکانی در لایه‌های این تپه و



شکل ۲: حوزه‌های ۲۲ گانه سیستان (مهرآفرین و موسوی‌حاجی، ۱۳۸۸: جلد ۱ و ۱۶).

تاریخ‌گذاری مطلق آن، و همچنین نتایج مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی سیستان را بسیار آسان می‌کند. از طرف دیگر با توجه به این که کم‌تر محوطه‌ای در شرق کشور که مربوط به دوره اشکانی باشد، حفاری شده است؛ تپه گوری سیستان می‌تواند به‌عنوان یک محوطه مرجع برای گونه‌شناسی محوطه‌های اشکانی هم‌جوار باشد.

### تزئین داغدار و پیشینه آن در منطقه سیستان

نقوش داغدار به‌عنوان روش تزئین سفال‌های خاکستری و سیاه در هزاره‌ی سوم ق.م در ایران رایج شده است. قبل از این زمان اثری از این شیوه تزئین در سفال‌گری ایران دیده نمی‌شود و می‌توان شروع استفاده از این نوع تزئین را هزاره‌ی سوم ق.م دانست (طلایی، ۱۳۸۸: ۵۴). در این نوع تزئین با استفاده از ابزارهای مانند: استخوان، چوب و یا سنگ، ظروفی را که تازه کرده‌اند و در حال خشک شدن است، پرداخت می‌کنند. معمولاً هنگامی که ظرف روی چرخ سفال‌گری می‌چرخد، در اثر تماس با ابزار مورد استفاده، داغدار شده و پس از پخته شدن، اثر داغ روی سفال به جا می‌ماند (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۲). تزئین با روش داغدار، علاوه‌بر این که سفال را از حالت سادگی و یک‌نواختی، بیرون می‌آورد، باعث استحکام بیشتر آن‌ها نیز می‌شود. پیشینه استفاده از این نوع تزئین در سیستان به هزاره سوم ق.م برمی‌گردد. تزئین داغدار روی سفال‌های شهر سوخته و محوطه‌های هم‌زمان با آن به‌کار رفته است. همچنین در دوره هخامنشی نیز این نوع تزئین به‌کار رفته است؛ به‌نحوی که به‌ندرت در بین سفال‌های دهانه‌غلامان سیستان که مربوط به دوره هخامنشی است، سفال‌های داغدار دیده می‌شود (زهبیری، ۱۳۹۱)؛ اما با مطالعات صورت گرفته توسط نگارندگان مشخص شد که سفال داغدار دوره اشکانی هم از نظر کمیت و هم کیفیت نسبت به سفال‌های داغدار پیش از خود برتری دارد.

### سفال داغدار اشکانی سیستان

به‌دلیل فراوانی خاک رس مرغوب و مواد کانی (ماسه بادی) در دشت سیستان، ظروف متنوعی از سفال در طول دوره اشکانی در این منطقه ساخته شد که با مطالعه و بررسی آن‌ها می‌توان تا حدودی به شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم سیستان در طی دوره اشکانی و همچنین ارتباطات فرهنگی و تجاری این منطقه با مناطق هم‌جوار پی‌برد. سفال‌گران سیستانی برای خارج ساختن ظروف خود از یک‌نواختی و سادگی، آن‌ها را با انواع روش‌های تزئین می‌آراستند. ظروف ظریف و ارزشمند ساکنان سیستان را در دوره اشکانی، ظروف داغدار تشکیل می‌داد که برای ساخت آن‌ها مهارت و دقت بیشتری نیاز بود (mehrafarin et al, 2011: 248). هرینگ در پژوهش خود از این نوع تزئین با عنوان: "سفال قرمز قهوه‌ای با تزئین شیارهای صیقلی (داغدار)" یاد می‌کند (هرینگ، ۱۳۶۶: ۲۳۵).

این نوع تزئین به‌صورت خطوط صیقلی براق است که بر هر دو سطح ظروف سفالی به‌کار رفته است. روی ظروف دهانه تنگ هم‌چون پارچ‌ها و جام‌ها تزئین

داغ بر قسمت بیرونی آن‌ها نقش شده است و در ظروف دهانه گشاد مانند: انواع کاسه‌ها و بشقاب، این نوع تزیین در سطح درونی ظرف دیده می‌شود. به‌ندرت نیز هر دو سطح درون و برون یک ظرف داغدار شده‌اند.

علاوه‌بر تقسیم‌بندی سفال داغدار بر اساس جایگاه نقش که ذکر آن در بالا رفت، این‌گونه سفال را می‌توان بر اساس نوع تزیین داغ نیز تقسیم‌بندی کرد. نقوش داغدار به‌کار رفته روی سفال‌های اشکانی سیستان اکثراً به‌صورت خطوط افقی منظم است که دورتادور ظروف را در بر می‌گیرد. فاصله و پهنای این خطوط داغدار در قطعات مختلف متنوع است. در بعضی از نمونه‌ها خطوط داغدار به‌صورت بسیار فشرده به‌کار رفته است (شکل ۳، شماره ۱ و ۳) و در بعضی نمونه‌ها نیز فاصله خطوط داغدار از هم‌دیگر زیاد است (شکل ۳، شماره ۲؛ شکل ۵، شماره ۱۷).

نقوش داغدار علاوه‌بر خطوط منظم افقی، به گونه‌های دیگری نیز روی سفال‌های اشکانی سیستان به‌کار رفته است که از آن جمله می‌توان به خطوط نامنظم افقی (شکل ۵، شماره ۱۳)، خطوط نامنظم عمودی (شکل ۴، شماره ۷ و ۸) و خطوط درهم یا زیگزاگ (شکل ۳، شماره ۵ و ۶) اشاره کرد. نوع جالبی از این تزیین روی چند قطعه از مجموع سفال‌ها دیده می‌شود که در آن تزیین داغ را به‌صورت نقوش هندسی روی سفال ایجاد کرده‌اند (شکل ۵، شماره ۱۵) که در نوع خود بسیار زیبا و منحصر به‌فرد است.

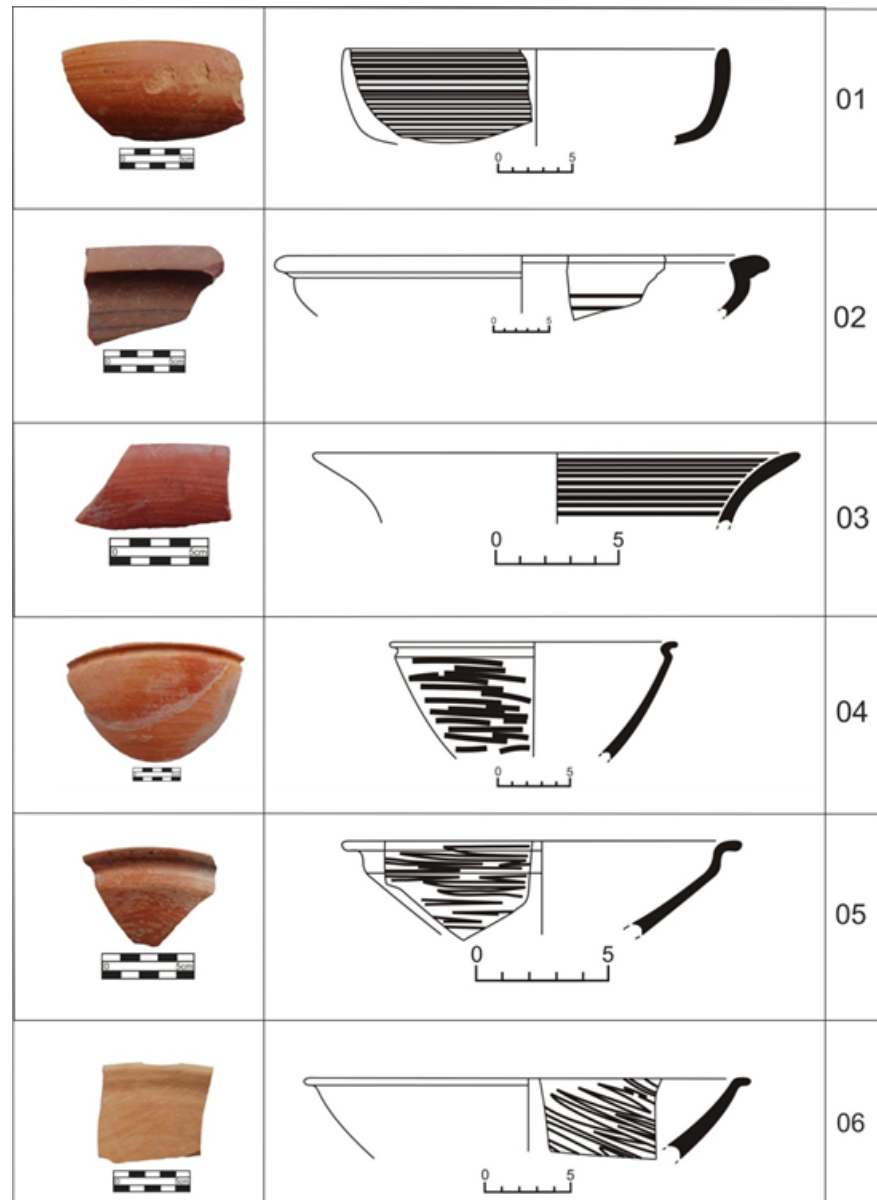
سفال‌های داغدار سیستان را به جرأت می‌توان به‌عنوان سفال شاخص این منطقه در دوره اشکانی دانست. مهارت و استادی که در ساخت و پرداخت این‌گونه سفالی دیده می‌شود، در هیچ‌گونه دیگری از سفال‌های اشکانی سیستان دیده نمی‌شود.

این تزیین بعد از تزیین نقش کنده شیاردار، بیشترین تزیینی است که مورد استفاده سفال‌گران سیستانی قرار گرفته است. البته باید توجه داشت که تزیین کنده شیاردار تقریباً در تمام محوطه‌های اشکانی سیستان قابل رویت است، اما تزیین داغدار بیشتر در محوطه‌های شاخص مورد استفاده سفال‌گران بوده است. در بین حوزه‌های ۲۲ گانه سیستان، سفال داغدار اشکانی بیشتر در حوزه‌های شمالی بالاخص حوزه‌های زهک و محمدآباد به‌دست آمده است و هرچه به سمت جنوب سیستان پیش‌روییم از کمیت و کیفیت این‌گونه سفال‌ها کاسته می‌شود.

### اشکال ظروف داغدار


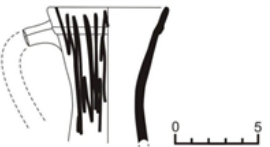



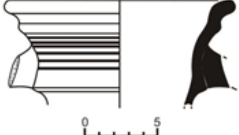






تنوع فرم ظروف دوره اشکانی سیستان بسیار زیاد است و سفال‌گران سیستانی از روش‌های تزیین متفاوتی برای فرم‌ها و اشکال مختلف ظروف استفاده می‌کردند. بیشترین فرم ظروفی که دارای تزیین داغدار هستند را پارچه‌ها، جام‌ها، لیوان و انواع کاسه تشکیل می‌دهد. تزیین داغ روی هر دو سطح بیرون و درون کاسه‌ها به‌کار رفته است که بیشتر به‌صورت خطوط افقی منظم (شکل ۳، شماره ۱، ۲ و ۳) و خطوط درهم (شکل ۳، شماره ۴، ۵ و ۶) است. جام‌های اشکانی سیستان که دارای نقوش داغدار هستند را بدون شک می‌توان به‌عنوان ظروف تزیینی این دوره دانست، چراکه هم از نظر کیفیت ساخت و هم نوع تزیین، بهترین شرایط را

در بین سفال‌های به‌دست آمده از محوطه‌های اشکانی این منطقه دارند. اکثراً تزیین داغ روی پایه این جام‌ها و به‌صورت خطوط منظم و فشرده افقی دیده می‌شود و گاهی نیز این تزیین تمام سطح بیرونی جام را در بر می‌گیرد (شکل ۴، شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲). تزیین داغ روی پارچه‌ها و سبوه‌های دسته‌دار بیشتر به‌صورت خطوط درهم و خطوط عمودی نامنظم روی گردن ظرف ایجاد شده است (شکل ۴، شماره ۷، ۸ و ۹). بر روی ظروف بزرگ هم‌چون انواع خمره‌ها و تنگ‌ها و هم‌چنین بعضی از ظروفی که مورد استفاده فراوان بوده‌اند، مانند: کوزه‌ها، تزیین داغدار به‌ندرت به‌کار رفته است. در بین سفال‌های داغدار، قطعاتی مربوط به بدنه ظروف هستند که تشخیص دقیق فرمشان امکان‌پذیر نیست، اما با توجه ضخامتشان (بین ۳ تا ۵ میلی‌متر) می‌توان تشخیص داد که متعلق به ظروف ظریف هستند.



شکل ۳: سفال داغدار سیستان ایران (نگارندگان، ۱۳۹۲).

جام‌ها و سبوه‌های دوره‌ی اشکانی سیستان را می‌توان به‌عنوان فرم‌هایی معرفی کرد که اختصاص به تزیین داغدار داشته‌اند. نقوش داغدار روی جام‌ها به‌صورت خطوط افقی منظم است، اما این تزیین روی پارچه‌ها (سبو)، به‌صورت خطوط عمودی نامنظم در قسمت گردن ظرف ایجاد شده است.

		07
		08
		09
		10
		11
		12

شکل ۴: سفال داغدار سیستان ایران (نگارندگان، ۱۳۹۲).

### کیفیت ساخت

سفال‌های داغدار مورد مطالعه قرار گرفته همگی دارای کیفیت ساخت مطلوبی هستند. میزان پخت آن‌ها مناسب است و به علت خوب ورز دادن گل سفال، هیچ خلل و فرجی در مقطع سفال دیده نمی‌شود و سطوح داخلی و خارجی آن‌ها نیز خوب پرداخت شده است. ضخامت بدنه سفال‌های داغدار کمتر از ۵ میلی‌متر است که از جمله ظروف ظریف دوره‌ی اشکانی سیستان به‌شمار می‌روند. شاموت کلیه این سفال‌ها که چرخ‌ساز می‌باشند، مواد کانی نرم (ماسه بادی) است و در هیچ یک از سفال‌های مورد مطالعه قرار گرفته، شاموت گیاهی و یا ترکیبی به‌کار نرفته است. اندازه شاموت‌ها نیز بسیار ریز می‌باشد.



## پوشش

بیشترین پوششی که روی سفال‌های اشکانی سیستان دیده می‌شود، پوشش گلی نخودی است؛ اما این پوشش به‌ندرت روی سفال‌های داغدار دیده می‌شود به‌طوری که در بین مجموع سفال‌های اشکانی سیستان تنها دو قطعه سفال با پوشش گلی نخودی (شکل ۳، شماره ۶) وجود دارد. بیشترین پوشش سفال‌های داغدار اشکانی سیستان را پوشش گلی طیف قرمز تشکیل می‌دهد که از این بین پوشش قرمز آجری (شکل ۵، شماره ۱۴ و ۱۵) بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. پوشش گلی قرمز (شکل ۳، شماره ۳)، آجری (شکل ۴، شماره ۷ و ۸)، نارنجی (شکل ۳، شماره ۴)، قهوه‌ای (شکل ۵، شماره ۱۷) و خاکستری (شکل ۵، شماره ۱۶) نیز در بین مجموع سفال‌های داغدار اشکانی سیستان دیده می‌شود.

اکثر سفال‌های اشکانی سیستان که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، دارای پوشش گلی رقیق هستند، به‌طوری که با گذشت زمان این پوشش تقریباً از بین رفته و به سختی قابل تشخیص است؛ اما این ویژگی برای سفال‌های با تزیین داغدار صدق نمی‌کند؛ چراکه سفال‌های داغدار دارای پوشش گلی غلیظ هستند و همین خصوصیت علاوه بر این که باعث کیفیت بالای این‌گونه سفال‌ها شده است؛ به زیبایی آن‌ها نیز افزوده است.

## گستره جغرافیایی و گاهنگاری

نقوش داغدار از جمله تزیین‌های رایج روی سفال دوره اشکانی است، اما باید به این نکته اشاره کرد که این نوع تزیین در ایالت‌های شرقی امپراتوری اشکانی هم‌چون باکتریا و قندهار (Schachner, 1995: 154) و به‌ویژه سیستان (سکستان) (روستایی، ۱۳۹۱) نسبت به ایالت‌های غربی آن، بیشتر مورد استفاده سفال‌گران قرار گرفت که دلیل آن نیز شاید بخاطر گسترش کاربرد ظروف فلزی و شیشه‌ای در مناطق غربی امپراتوری و عدم رغبت سفال‌گران به ایجاد تزیین روی ظروف سفالی می‌باشد.

با توجه به تحقیقاتی که تاکنون در مورد تزیین داغدار در مناطق شرقی امپراتوری اشکانی انجام شده است؛ مشخص کردن خاستگاه ظهور این نوع تزیین بسیار مشکل است. عده‌ای از باستان‌شناسان احتمال داده‌اند، خاستگاه این نوع سفال حاشیه رودخانه آمودریا باشد (Schachner, 1995: 157). نمونه‌هایی از این‌گونه سفالی از محوطه‌های شاخص افغانستان هم‌چون شمشیرغار به‌دست آمده است که متعلق به دوره کوشانی - ساسانی است (Dupree, 1958: plate 24) که هم از نظر نوع تزیین و هم کیفیت ساخت، قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست آمده از منطقه سیستان ایران است. در ناده‌لی افغانستان (سرخ داغ) نیز گونه سفال داغدار به‌دست آمده است که به دوره پارت یا ساسانی نسبت داده‌اند (Dales, 1977: plate 17). در بررسی‌هایی که فیر سرویس در منطقه سیستان ایران و افغانستان انجام داد، نمونه سفال‌های داغدار از محوطه ۲۸ (سفید داغ) و ۳۴ (نزدیک قلعه فاتح) در سیستان افغانستان به‌دست آمده (Fairervis, 1961: fig: 19, 20) که از لحاظ نوع تزیین و کیفیت ساخت با سفال‌های داغدار سیستان ایران قابل مقایسه است.

		<p>13</p>
		<p>14</p>
		<p>15</p>
		<p>16</p>
		<p>17</p>
		<p>18</p>

شکل ۵: سفال داغدار سیستان  
ایران (نگارندگان، ۱۳۹۲).

در جنوب خراسان بزرگ (شمال سیستان)، چند قطعه سفال داغدار از قلعه شاه‌دژ و قلعه نه‌نهبندان به‌دست آمده که با سفال‌های داغدار سیستان قابل مقایسه است (علایی‌مقدم، ۱۳۹۰). در بررسی‌های باستان‌شناختی که در منطقه بلوچستان ایران (جنوب سیستان) انجام شده است و همچنین مطالعاتی که در مورد سفال اشکانی این منطقه صورت گرفته، اشاره‌ای به سفال با تزیین داغدار دوره اشکانی نشده است (علیزاده، ۱۳۹۱).

با توجه به مطالعات صورت گرفته و همچنین مقایسه‌های گونه‌شناختی انجام شده، می‌توان سیستان فرهنگی (سیستان ایران و افغانستان) را خاستگاه سفال با تزیین داغدار دانست که شامل: ایالت‌های سکستان، باکتیریا و قندهار می‌شود. این‌گونه سفالی در مناطق جنوب (بلوچستان)، غرب (کرمان) و شمال سیستان (خراسان) چندان مورد استقبال سفال‌گران قرار نگرفت.



## جدول ویژگی فنی سفال‌های داغدار اشکانی سیستان

شماره	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸		
نوع قطعه	پایه	پایه	پایه	لبه	لبه	بدنه	بدنه	کف		
فرم	جام	جام	جام	لیوان	تنگ	-	-	-		
نوع ساخت	چرخساز	چرخساز	چرخساز	چرخساز	چرخساز	چرخساز	چرخساز	چرخساز		
شاموت	کانی	کانی	کانی	کانی	کانی	کانی	کانی	کانی		
نوع خمیره	گل رس	گل رس	گل رس	گل رس	گل رس	گل رس	گل رس	گل رس		
رنگ خمیره	آجری	آجری	قرمز اجری	قرمز اجری	قرمز اجری	خاکستری	آجری	قرمز اجری		
میزان پخت	کافی	کافی	کافی	کافی	کافی	کافی	ناکافی	کافی		
نوع تزئین	داغدار	داغدار	داغدار	داغدار	داغدار	داغدار	داغدار	داغدار		
نقش مایه	هندسی	هندسی	هندسی	هندسی	هندسی	هندسی	هندسی	هندسی		
رنگ مایه	-	-	-	-	-	-	-	-		
جایگاه نقش	برون		برون	برون	برون	برون	برون	درون		
پوشش درون - رنگ	گلی - آجری	گلی - آجری	؟	گلی - قرمز اجری	خودرویه	خودرویه	گلی - آجری	گلی - قرمز اجری		
پوشش برون - رنگ	گلی - قرمز اجری	گلی - قرمز اجری	گلی - قرمز اجری	گلی - قرمز اجری	گلی - قرمز اجری	گلی - خاکستری	گلی - قهوه ای	گلی - قرمز اجری		
کیفیت	ظریف	ظریف	متوسط	متوسط	متوسط	ظریف	متوسط	ظریف		
ضخامت (م.م)	۳	۳	۵	۵	۴	۳	۵	۳		
قطر دهانه (س.م)	-	-	-	۹	۱۷	-	-	-		
قطر کف (س.م)	۴	۵	۴	-	-	-	-	۷		

نکته جالب توجه و قابل تأمل در مورد سفال‌های داغدار منطقه سیستان ایران این است که اکثر این سفال‌ها، از محوطه‌های شاخصی به‌دست آمده‌اند که در دوره ساسانی نیز مورد سکونت واقع شده‌اند و یا این که همچون تپه گوری (Mehrafarin et al, 2011: 243) مربوط به اواخر دوره اشکانی هستند. البته ارنی هرینگ معتقد است که سفال داغدار در منطقه سیستان از قرن سوم و دوم پیش از میلاد ساخته می‌شده و تا دوره ساسانی و حتی اسلامی نیز ادامه دارد (هرینگ، ۱۳۶۶: ۲۳۵).

حفاری تپه گوری سیستان با توجه به تاریخ‌گذاری مطلق‌ی که با کشف سکه نقره‌ای متعلق به پادشاه اشکانی پارتاماس پاتس که مدت کوتاهی حدود سال ۱۱۶ میلادی به‌عنوان شاه ایران حکومت می‌کرده است، ارائه داده (Mehrafarin et al, 2011: 244) و همچنین به‌دست آمدن تعداد کثیری از سفال‌های با تزیین داغدار، کمک شایانی در جهت گونه‌شناسی، گونه‌شناختی و گاهنگاری سفال‌های داغدار منطقه سیستان ایران و حتی مناطق همجوار خود مانند افغانستان و پاکستان کرده است.

با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان یک چارچوب زمانی را برای سفال با تزیین داغدار در سیستان ارائه کرد که شامل اواخر دوره اشکانی (قرون ۲ و ۳ میلادی) و اوایل دوره ساسانی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

سفال داغدار اشکانی از ظریف‌ترین و تجملی‌ترین ظروف دوره مزبور در مناطق شرقی به‌ویژه سیستان است، به‌نحوی که این نوع سفال معمولاً در محوطه‌های شاخص و دارای وسعت بالا مشاهده می‌شود. از سوی دیگر این‌گونه سفالی بیشتر در محوطه‌های شاخص که در قسمت شمال سیستان قرار دارند، به‌دست آمده است: محوطه‌هایی همچون: قلعه‌سام، دم‌خواجه‌احمد، رام شهرستان، تپه گوری، تپه آتشگاه و محوطه‌های اشکانی موجود در کوه‌خواجه دارای سفال داغدار می‌باشند.

نقوش داغدار اکثراً به‌صورت خطوط افقی منظم در هر دو سطح ظروف به‌کار رفته است که جایگاه نقش بستگی به نوع ظرف دارد. علاوه‌بر خطوط افقی منظم، خطوط داغدار به‌صورت عمودی نامنظم، افقی نامنظم، خطوط درهم یا به‌شکل نقوش هندسی نیز به‌کار رفته است.

سفال‌های داغدار سیستان از لحاظ کیفیت ساخت شرایط بسیار مطلوبی دارند. تمامی آن‌ها چرخ‌سازند و میزان پخت اکثر آن‌ها مناسب و فشردگی خمیره آن‌ها نیز بسیار خوب است؛ به‌نحوی که هیچ خلل و فرجی در مقطع سفال و دو سطح برون و درون آن دیده نمی‌شود.

۱. پارتاماس پاتس شاه دست‌نشانده تراژان، پادشاه روم در ایران است. گفته می‌شود که وی پسر یا نوه خسرو شاه ایران بود که به روم پناهنده شد و بر ضد خسرو کار می‌کرد. تراژان پس از تصرف تیسفون در سال ۱۱۶ میلادی در حضور رجال و سرداران رومی تاج بر سر پارتاماس پاتس گذاشت و او را شاه ایران خواند. بعد تراژان تصور کرد که این کار او وجهانش را نزد اهالی تأمین می‌کند و موقع آن رسیده که عقب‌نشسته از این مملکت خارج شود. پس از گذشت ۶ ماه از حکومت پارتاماس پاتس، خسرو وارد تیسفون شد و پارتاماس پاتس پادشاه دست‌نشانده رومی چاره را در این دید که فرار کرده، خود را به خاک روم برساند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۰۳۳).

سفال‌گران سیستانی این نوع تزیین را روی فرم‌های متنوع ظروف سفالی به کار برده‌اند؛ اما بعضی از فرم‌ها مانند: پارچ (سبو)، جام و کاسه‌های ظریف، بیشترین سهم از نقوش داغدار را به خود اختصاص داده‌اند.

هرچند سفال به تنهایی نمی‌تواند سلسله مراتب اجتماعی را برای یک منطقه تعریف کند، اما به دست آمدن سفال داغدار از محوطه‌های شاخص و بزرگ اشکانی در سیستان، می‌تواند به این موضوع اشاره کند که ساخت سفال با تزیینات داغدار تنها در محوطه‌های بزرگ و مراکز شهری سیستان و به‌وسیله سفال‌گران ماهر و متخصص انجام می‌شده است و دارای جنبه‌های اشرافی و تجملی بوده است.

دامنه نفوذ و پراکندگی سفال داغدار اشکانی مناطق شرقی امپراتوری را می‌توان: سیستان ایران، ایالت‌های نیمروز، قندهار و باکتیریا در افغانستان و تا حدودی جنوب خراسان دانست.

در پایان باید بیان نمود از لحاظ گاهنگاری سفال‌های داغدار سیستان را با احتمال فراوان می‌توان به دوره اشکانی میانه تا اوایل دوره ساسانی (قرون ۱ تا ۳ میلادی) نسبت داد.

### کتابنامه

- بنی‌جمالی، سیده لیلا، ۱۳۸۷، گاهنگاری نسبی محوطه‌های کوه‌خواجه سیستان بر اساس سفال‌های سطحی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان (منتشر نشده).
- پوری، ب.ن، ۱۳۷۵، سکاه و هند و پارتی، ترجمه: صادق ملک شه‌میرزادی، بخش اول از جلد دوم، تهران، وزارت امور خارجه.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۸۴، تاریخ ایران باستان، تهران، موسسه انتشارات نگاه.
- توحیدی، فائق، ۱۳۷۹، فن و هنر سفال‌گری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خسروی، محمود، ۱۳۶۸، (زیر نظر دکتر حسنعلی غیور)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (شماره ۱۳)، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- روستایی، محمدصادق، ۱۳۹۱، مطالعه نمونه‌های سفالین دوره اشکانی در سیستان ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- زهیری، زهره، ۱۳۹۱، مطالعه نمونه‌های سفالین مکشوفه از محوطه هخامنشی دهانه غلامان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- طلایی، حسن، ۱۳۸۸، عصر مفرغ ایران، انتشارات سمت، تهران.
- علایی‌مقدم، جواد، ۱۳۹۰، بررسی شهرهای دوران تاریخی و اسلامی سیستان با استناد به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان (منتشر نشده).
- علیزاده، فاطمه، ۱۳۹۱، مطالعه‌ی نمونه‌های سفالین دوران اشکانی بلوچستان

(موردشناسی: سفال‌های سطحی شهرستان‌های نیکشهر و چابهار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- موسوی‌حاجی، سید رسول و رضا مهرآفرین، ۱۳۸۶، گزارش بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان، فاز ۱، جلد ۱، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).

- موسوی‌حاجی، سید رسول و رضا مهرآفرین، ۱۳۸۸، جستاری در جغرافیای تاریخی سیستان (از آغاز تا سده نهم ه.ق.)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).

- موسوی‌حاجی، سید رسول، و مرتضی عطایی، ۱۳۸۹، مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان، چاپ اول.

- مهرآفرین، رضا و سید رسول موسوی‌حاجی، ۱۳۸۸، گزارش بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان فاز ۲، جلد ۱۶، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).

- مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۶، حفاری و گمانه‌زنی تپه گوری سیستان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).

- مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۳، بررسی و تحلیل باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی، گرایش دوره تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

- مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۹، «معبد سکایی تاکسیلا»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال دوم، شماره سوم.

- هرتسفلد، ارنست، ۱۳۵۴، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

- هرینگ، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه: حمیده چوبک، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

- یارشاطر، احسان (گردآورنده)، ۱۳۷۷، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه: حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- Dales. George. F. 1977, New Excavations at Nad-Ali (SorkhDagh), Afghanistan, Research Monograph Series, NO. 16 February.

- Dupree, Louis, 1958, ShamsirGhar: Historical Cave site in Khandahar province Afghanistan, Anthropological papers of the American museum of natural history New York.

- Fairservis, JR. 1961, Walter: Arhaeological Studies in the Sistan Basin of Sourth Western Afghanistan and Eastern Iran, Vol 48, part 1, Antropological papers of the Amerian Museum of Natural Hitory, New york.

- Mehrafarin, Reza, SeyyedRasulMusavi Haji, Sultan Alifeyz, a Study of the seramics of East Iran During the Later Parthian Era with Special Reference to Tapa Gowri, 2011, Central Asiatic Journal International Peri-

odical for the Languages, Literature, History and Archaeology of Central Asia. 240 – 258.

- Vogelsang, John, 2002, The Afghans, Published by Blackwell Publishing.

- Schachner, Andreas, 1995/96, A Special Kind of Pattern Burnished Decoration on Late Kushan Pottery in Bactria an Afghanistan, Journal of the Institute of Silk Road Studies, Kamakura.



introduction of this pottery type, to focus on its regional dispersion. The Sistan burnished wares are enjoying much desirable condition in terms of their quality. Most of them are wheel-made with suitable firing and the fabric compaction is high as there is no visible porosity. Burnished designs often applied with horizontal lines on both sides of potteries whose place depends on its function; burnished lines with irregular vertical, irregular horizontal, mixed or zigzag lines as well as in geometrical forms were applied. The potters have applied these decorations on variety of pottery types and forms, such as pitcher, cup and bowl. All given types have burnished both sides of bowls which is mainly cross and regular lines. Although pottery cannot be the only indicator of social hierarchy in a region, but the existence of Burnished ware on the most important sites of Sistan area could shed light on this truth that this type of pottery have produced by experts at the most important sites of Sistan having luxury aspects. Typological comparisons were also found that this type of pottery in the central and western areas of Afghanistan during the Kvshanyan mandatory has been very common.

**Keywords:** Sistan, Parthian Period, Archeological Studies, Burnished Ware.

PAZHOHESH-HA-YE  
BASTANSHENASI IRAN  
Archaeological Researches of Iran  
Journal of Department of Archaeology  
Faculty of Art and Architecture  
Bu-Ali Sina University

---

## Burnished Ware, the Diagnostic Pottery of the Parthian Period of Sistan, Iran

---

**Reza Mehrafarin**

Associate Professor, Mazandaran University  
reza.mehrafarin@gmail.com

**Mohammad Sadeq Roustaei**

M.A in Archaeology, Sistan & Baluchistan University

**Javad Alaei Moqaddam**

Faculty Member at the University of Zabol

Received 2014/02/15 - Accepted 2014/03/16

### Abstract

Pottery is the most important and abundant cultural material of the archeological sites enjoying enormous importance; as large number of historical chronologies are based on potteries and its typological comparisons. As such, in terms of structural properties, the pottery identification of each period and region is one of the fundamental aspects of archeological studies. The historical pottery unlike prehistoric one has noticeable decrease in decoration meanwhile the other decorations techniques such as slipping were not common (Regardless of the Sassanid dynasty glazed pottery, quantities are negligible) and these potteries has special complexity as we need more broad studies to be done on the various regions. Regarding to the presence of local styles during the Parthian period as a longest period of the ancient Iranian kingdoms, the potteries have special importance; in other words, diverse pottery types in different regions are indicator of a particular style and advancement of the given period.

One of the specific Parthian pottery samples of Sistan region is burnished pottery which has special quality and elegance and is rarely known from other Iranian parts. This pottery type has desirable quality both in its manufacturing phase and the firing process. The Parthian burnished wares are the most elegant and luxurious in the east, especially in Sistan rarely noticed by apart researches.

Regarding to the importance of Sistan burnished ware in archeology of the region and its role in the chronology of the Parthian era, this article is trying to study this particular type of pottery of Sistan, its formation process and time-domain spreading, transition and its impact on neighboring areas. Here, the authors are trying to review the studies on the Parthian era Sistan burnished ware apart from complete